



قلمرو توحید

حجة الاسلام علی رهبر
عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان و مدرس حوزه

درس‌هایی از سوره‌ی آل عمران

عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان و مدرس حوزه همگان را به یک حقیقت فرا می‌خواند، چه آنان که مدعی پیروی از پیامبران پیشینند و چه ایمان آورندگان به پیامبر خاتم^ص را! آن حقیقتی که برای آن آفریده شده ایم! آن هدفی که چونان صدفی، دَر انسان مستعد خلیفه الهی را در هاله نور احاطه کرده است. در عالم پهناور و اسرارآمیز، ارتباط و هماهنگی و حکمت، موج می‌زند و هیچ پدیده‌ای زائد و بیهوده نیست! انسان که برخوردار از نفخه خاص خداوندی است، هدفی عمیق و عتیق، آفرینش او را پوشش داده است.

این هدف، انسان مقدس است که در سه حوزه قرآن کریم، مطرح شده است:

۱) آفرینش انسان

۲) رستاخیز پیامبران (بعثت)

۳) قیام جهانی امام مهدی (عج)

واژه‌ای را که بیانگر این هدف مقدس است، فراوان شنیده‌اید و هر مسلمان نمازگزار در شب و روز دهنوبت، آن را تکرار می‌کند.

این واژه، مظلوم است و مشهور!

معروف است و ناشناخته!

این واژه پر شمول است و فراگیر. ابعاد کوشش‌های فکری و ذکری و تلاش‌ها رفتاری و گفتاری و قیام و وقوع و بیداری و خفتن انسان را پوشش می‌دهد.

در آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران، یک طرح جامع توحیدی بر پایه آن واژه مقدس، ارائه شده است.

آن طرح جامع که جامعه‌ها را به یک خواسته بزرگ فطرت عمومی انسان‌ها، جهت می‌دهد. خواسته‌ای که از ماتریالیست تا تثیست (الهی) با همه‌ی تضادی که دارند، به دنبال آن هستند (۱):

راه رسیدن به توحید، پذیرش پروردگاری خدا است و پرستش او.

به این آیه توجه فرمایید:

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعید الا الله ولا ندرک به شیئا و لا یتخذ بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا با تا مسلمون»

«بگو: ای اهل کتاب! به سوی یک کلمه - که میان ما و شما یکسان است - بشتابید که جز خداوند را پرستش نکنیم و به او هیچ شرکی نوزیم و برخی از ما، بعضی دیگر را «ارباب» (صاحب، پروردگار) نگیرند. پس اگر روی گردانیدند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم» (۲)

و اما فرازهای مهم این پیام پایدار پروردگار:

(۱) پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله مأموریت عمومی دارد و نباید به مسلمانی شیفتگان پیرامون خود، دل خوش دارد. دعوت او جهانی است و به خصوص اهل کتاب را با توجه به ادعای ارتباطشان با کتاب آسمانی، بیشتر از همگان زیر پوشش می‌گیرد. خطاب‌های یا ایها الناس هم که سایر توده‌های مردم و اهل کتاب و... را مخاطب ساخته، در قرآن کریم، کم نیست.

(۲) تعبیر «تعالوا» پیام حرکت است و ضرورت تحرک و رها کردن موقعیت ایستایی.

برای رسیدن به حقیقت، باید حرکت کرد. گاهی دعوت به قیام می‌کند: «ان تقوموا لله» و گاهی دعوت به حرکت (تعالوا) و گاهی حرکت راست قامتانه:

«... ام من یمشی سو یا علی صراط مستقیم» (۳)



۱. علامه شهید مرتضی مطهری در کتاب جهان بینی توحیدی به این حقیقت اشاره کرده‌اند.
۲. آل عمران/۶۴
۳. ملک/۲۲.

قرآن، کتاب ایجاد موج است و شتاب و سبقت و سرعت و گشودن چشم.

۳) با آنکه خداوند فرموده است: «کلمه» (یک کلمه) ولی سه مطلب را مطرح فرموده است و این مهم این حقیقت است که می توان مطلب دوم و سوم را توضیحی بر مطلب اول دانست:
الف- *الّا نعبد الّا الله*

ب- *ولا نشرك به شيئاً*.

ج- *ولا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله*.

آنگاه پرستش خداوند، حقیقی می شود که برای او شریکی قرار ندهیم و کسانی را بر نگزینیم که جایگزین خدای حقیقی کنیم و فرمان های گوناگون آنها را بپذیریم.

آنگاه که می خواهد «کلمه» را شرح دهد به اقدامات عملی، اشاره می کند و این نشانه بارز آن است که مقصود از «کلمه» غیر آن چیزی است که در ذهن های ما است که از مقوله تلفظ است.

۴) آن کلمه، میان ما و شما، مساوی است. دعوت همه انبیای الهی است. فطرت ما به آن دعوت می کند (عبادت معبود حقیقی و تمامی کتاب های نازل شده، مردمان را به آن، می خواند.

۵) آنگاه پرستش حق، حقیقی و راستین می شود که دیگران را به عنوان شریک محو کنیم، دیگرانی که یا در اعتقاد غلط خویش و یا در عمل، برای مخلوقی ناتوان، مقام مشارکت، تراشیده ایم. خداوند در آیتی می فرماید:

«و ما یومن اکثر هم بالله الا وهم مشرکون» (۴). «بیشتر آنها ایمان به خدا نمی آورند، و ایشان، مشرکند»

اگر اشاره به شرک جلی و آشکار باشد (رسماً به نقش شریک برای خدا، معتقد باشند) مقصود این است که اکثر مدعیان ایمان به خدا، ادعای دروغین دارند. و اگر اشاره به شرک خفی باشد (در عمل گونه ای برخورد کنند که غیر از خدا را دخیل کنند و یا ریاکارانه برخورد نمایند) مقصود این است که اکثر ایمانداران، مشکل شرک خفی دارند و به سبب های غیر خدایی، چشم امید بسته اند.

۶) بخش حساس دیگر، طرح توحیدی قرآن در زمینه سستیز با طاغوت است و نپذیرفتن سلطه حکومت های جور.

در این بخش، «لا اله» که پیراستن است، تفسیر شده است، یعنی:



«فمن يكفر بالطّاعوت و يؤمن بالله»

این آیه یکی از شواهد روشن در زمینه یگانگی دیانت و عبادت با سیاست است، یعنی حساسیت در زمینه حاکمیت‌ها. از نظر قرآن، پذیرش سلطه طاغوت، معادل با «ربّ گرفتن» است و عبادت غیر خدا.

فرعون گفت: «و قومهما لنا عابدون» (۵) یعنی: قوم موسی و هارون، پرستشگران ما هستند! چرا؟ چون ما بر سر آنها تسلط داریم: «أنا فوقهم قاهرون» (۶)، «ما غالب و قاهر و مسلط بر آنها هستیم». در روایت آمده است که حتی شنیدن سخن سخور، عبادت است، اگر از خدای گوید، عبادت خدا است و اگر از شیطان گوید، عبادت شیطان است.

در روایت آمده است که: «أتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله» به این معنا است که مردمان یهودی و مسیحی، هر چه را که راهبان و دانشمندان آنها، حلال و حرام می کردند، تابع بودند و این همان پرستش آنها است و اتخاذ آنها به عنوان «ربّ»

آیه ۶۴ آل عمران که موضوع بحث ما است، الهام دهنده این پیام جاودانه است که اسلام عزیز برای رسانیدن انسان به بام بلند آسمان توحید، دو طرح دارد: یکی عبادی و دیگری سیاسی؛ که آن پیام سیاسی هم در راستای پرستش حق است و تقرب به او. پیام اول سلوک عابدانه و تسلیمانه است و پیام دوم، ستیز با حاکمیت‌های نهی شده و به زیر آوردن ظالمان سلطه گر.

اگر این دعوت انسانگر را پذیرا نشدند، به آنها بگو! شاهد باشید که ما منتظر شما نمی مانیم و تسلیم فرمان محبوب خویشیم.

حاصل کلام: توحید، روح تمام تعالیم اسلام است و تا انسان به بام بلند این توحید دست نیابد، آرام نخواهد شد. برای حاکمیت توحید، باید شرک‌ها را زدود. و حاکمیت‌های بیهوده و آلوده را، پیراست.

والسلام

